چرا مرگ تانکرها برای قانون هنوز کافی نیست؟

۱۱ کشته در انفجار تانکر سوخت



■ حسین فصیحی

انفجار یک تانکر سوخت در ورودی سنندج و مرگ ۱۱ نفر، آینه‌ای است که ضعف‌های زنجیره ایمنی حمل‌ونقل مواد خطرناک را مقابل چشم مسئولان قرار داده است. هشت سال پس از حادثه مرگبار تانکر سوخت و اتوبوس در سنندج و در حالی که حوادث مشابه دیگری نیز در این سال‌ها رخ داده، یک سؤال جدی همچنان بی‌پاسخ مانده‌است: چرا ساختار قانونی و اجرایی کشور، پس از هر فاجعه برای تعیین علت و مسئولیت وارد عمل می‌شود، اما پیش از فاجعه نمی‌تواند همان خطر را مهار کند؟

مرگبار یا پرخطر شده‌اند. در تیر ۱۳۹۷، برخورد تانکر حامل سوخت با اتوبوس مسافربری در سنندج به مرگ ۱۵ نفر انجامید. در دی ۱۴۰۰ نیز واژگونی تانکر سوخت در حسین‌آباد سنندج سه کشته و شش مصدوم بر جای گذاشت و آتش به محدوده مسکونی سرایت کرد. در سال ۱۴۰۲ نیز چند حادثه مرتبط با تانکرهای سوخت در محورهای استان گزارش شد، از واژگونی و نشت سوخت گرفته تا برخورد و آتش‌سوزی. حالا حادثه شهریور ۱۴۰۵ نیز ۱۱ قربانی دیگر گرفته است. یعنی فقط در دو حادثه مرگبار سال ۱۳۹۷ و ۱۴۰۵، ۲۶ نفر جان خود را از دست داده‌اند. اینجاست که واژه «حادثه» دیگر به تنهایی کافی نیست. وقتی یک الگو تکرار می‌شود، باید درباره ساختاری صحبت کرد که قادر نیست از تکرار آن جلوگیری کند.

■ قانون بعد از مرگ فعال می‌شود؟

در حوادث بزرگ معمولاً یک فرآیند آشنا آغاز می‌شود: امدادرسانی، انتقال مصدومان، شناسایی جان‌باختگان، تشکیل پرونده، بررسی علت حادثه و در نهایت تعیین مسئولیت احتمالی. همه این مراحل ضروری‌اند، اما یک حلقه مهم‌تر نیز وجود دارد: پیشگیری. سؤال اساسی این است که چرا نظارت بر وسیله‌ای که هزاران لیتر ماده قابل اشتعال حمل می‌کند، نباید پیش از ورود آن به جاده به اندازه‌ای جدی باشد که احتمال یک فاجعه کاهش پیدا کند؟ حالا که اعلام می‌شود نقص فنی عامل حادثه است، باید پرسید نظام کنترل فنی چگونه عمل کرده‌است؟ اگر مسیر تردد خطرناک بوده، چه نهادی مسئول تعیین مسیر بوده‌است؟ اگر ساعات تردد یا شرایط جاده‌ای خطر را افزایش داده، چرا سازوکارهای پیشگیرانه کافی نبوده‌اند؟

■ مسئله فقط سلامت یک تانکر نیست

حمل مواد سوختی با یک خودروی معمولی تفاوت اساسی دارد. یک تصادف ساده می‌تواند در چند ثانیه به آتش‌سوزی گسترده تبدیل شود و خودروهایی را که حتی نقشی در وقوع تصادف نداشته‌اند، گرفتار کند. بنابراین ایمنی این حوزه نباید صرفاً به معاینه فنی یک وسیله نقلیه محدود شود. باید مجموعه‌ای از عوامل همزمان دیده شود: وضعیت فنی تانکر، کیفیت تجهیزات ایمنی، صلاحیت و آموزش راننده، مسیر حرکت، وضعیت جاده، فاصله از مناطق مسکونی، ساعات تردد، کنترل سرعت، فاصله ایمن با سایر خودروها و آمادگی نیروهای امدادی. اگر یکی از این حلقه‌ها ضعیف باشد، ممکن است یک خطا به فاجعه تبدیل شود.

■ چرا بعد از هر حادثه دوباره از «بررسی» می‌شنویم؟

یکی از مشکلات جدی در مدیریت حوادث، غلبه نگاه پس از حادثه بر نگاه پیش از حادثه است. بعد از وقوع فاجعه، مسئولان برای بررسی علت وارد عمل می‌شوند، اما جامعه انتظار دارد همین بررسی‌ها به تغییر قواعد، اصلاح مسیرها و افزایش استانداردهای ایمنی منجر شود. اگر یک حادثه در سال ۱۳۹۷ نشان داده‌است که برخورد یک تانکر سوخت با یک وسیله نقلیه عمومی می‌تواند چنین تلفات سنگینی ایجاد کند، پرسش امروز این نیست که چرا حادثه سال ۱۴۰۵ دقیقاً به همان شکل رخ داده‌است.

■ خلأ قانونی یا ضعف اجرای قانون؟

قانون مؤثر، قانونی است که قبل از آنکه تانکر منفجر شود، خطر را شناسایی و متوقف کند؛ نه اینکه تنها پس از دفن قربانیان، برای تعیین مقصر وارد عمل شود. در آمارهای رسمی، این حادثه ۱۱ کشته دارد. حادثه سال ۱۳۹۷ نیز ۱۵ قربانی داشت. اما پشت عدد ۲۶، ۲۶ زندگی قرار دارد؛ پدر، مادر، فرزند، همسر، برادر، خواهر و خانواده‌هایی که پس از یک حادثه جاده‌ای، زندگی‌شان برای همیشه تغییر کرده‌است. پس از هر حادثه بزرگ، تعیین مقصر ضروری است، اما جامعه به چیزی بیش از تعیین مقصر نیاز دارد. باید مشخص شود چه نهادی مسئول پیشگیری از تکرار است. و اگر قانون مناسب وجود دارد، اما اجرا نمی‌شود، باید درباره ضمانت اجرای آن پاسخ روشن داده شود. در غیر این صورت، پرونده هر حادثه با تعیین چند مسئولیت و صدور چند تصمیم بسته می‌شود، اما خطر در جاده باقی می‌ماند. جامعه حق دارد بداند پس از این همه قربانی، قرار است چه چیزی تغییر کند؛ نه فقط اینکه چه کسی مقصر شناخته خواهد شد. چون اگر نتیجه هر فاجعه صرفاً تشکیل پرونده، تعیین علت و اعلام همدردی باشد، سؤال تلخ همچنان باقی خواهد ماند: برای اینکه حادثه بعدی رخ ندهد، دقیقاً چه کسی باید قبل از مرگ نفر بعدی کاری انجام دهد؟

■ حادثه دو روز قبل در محور سنندج ـ همدان ۱۱ کشته و دست‌کم شش تا هفت مصدوم بر جای گذاشته است. تانکر حامل بنزین پس از وقوع حادثه دچار انفجار و آتش‌سوزی شد و شعله‌های حریق به خودروهای اطراف سرایت کرد. میان قربانیان، کارکنان سازمان همیاری شهرداری‌های استان، یک مأمور پلیس و شهروندانی بودند که در مسیر روزمره زندگی خود گرفتار آتشی شدند که در چند دقیقه به مرگبارترین شکل ممکن گسترش یافت.

■ دور باطل

وقتی یک حادثه تکرار می‌شود، دیگر فقط «حادثه» نیست. مرور سوابق نشان می‌دهد که تانکرهای حامل سوخت در کردستان طی سال‌های گذشته چندین بار درگیر سوانح

گزارش | غلامرضا مسکنی

سارق یک کیلو طلا و ۱۰۰ سکه سرایدار همسایه بود

شش ماه اعتمادسازی، یک کلید یدکی و نقشه‌ای حساب‌شده، سرایدار ساختمان مجاور را به خانه مرد تاجر رساند؛ مرد جوان که از محل نگهداری گاوصندوق و طلاهای صاحبخانه باخبر شده بود، در فرصتی که تاجر همراه خانواده‌اش به سفر رفته بود، با همدستی سه نفر از دوستانش وارد خانه شد و حدود یک کیلو طلا، ۱۰۰ سکه و مقداری ارز خارجی را به سرقت برد، اما بازگشت مرموز او به محل حادثه، راز سرقت میلیاردی را برای کارآگاهان فاش کرد.

اوایل شهریورماه امسال، مأموران پلیس تهران در جریان سرقت میلیاردی از خانه مرد تاجری در یکی از خیابان‌های شمال پایتخت قرار گرفتند. سارقان که در غیاب صاحبخانه وارد ساختمان شده بودند، پس از از کار انداختن دوربین‌های مداربسته، گاوصندوق را تخریب کرده و حدود یک کیلو طلا، ۱۰۰ سکه طلا و مقداری ارز خارجی را به سرقت برده بودند.

■ سفر خانوادگی و بازگشت به خانه

با اعلام این خبر، مأموران برای بررسی ماجرا راهی محل شدند. صاحبخانه که از این سرقت شوکه شده بود، در توضیح ماجرا گفت: «من تاجر هستم و در بازار فعالیت می‌کنم. چند روز قبل برای تعطیلات تابستانی همراه خانواده‌ام به ویلایمان در شمال کشور رفتیم. ساعتی قبل که به خانه برگشتیم، با صحنه عجیبی روبه‌رو شدیم. وسایل خانه به‌هم ریخته بود و مشخص بود سارقان وارد خانه شده‌اند. وقتی به سراغ گاوصندوق رفتم، متوجه شدم آن را تخریب کرده‌اند و حدود یک کیلو طلا، ۱۰۰ سکه طلا، به همراه مقداری پول خارجی را سرقت کرده‌اند.»

■ دوربین‌ها از کار افتادند



صاحبخانه ادامه داد: «خانه‌ام به دوربین مداربسته مجهز است، اما سارقان برای اینکه ردی از خود به جا نگذارند، ابتدا دوربین‌ها را از کار انداخته و بعد وارد خانه شده‌اند.»

با ثبت شکایت، پرونده به دستور بازپرس دادسرای ناحیه ۳۴ تهران در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت و تحقیقات برای شناسایی سارقان آغاز شد. کارآگاهان در نخستین مرحله به سراغ دوربین‌های مداربسته اطراف محل رفتند. بررسی تصاویر نشان داد چهار مرد نقابدار که کلاه و دستکش به دست داشتند، نیمه‌های شب با استفاده از کلیدی وارد ساختمان شده و پس از مدتی از آنجا خارج شده‌اند. این موضوع احتمال آشنا بودن سارقان با ساختمان را برای کارآگاهان مطرح کرد؛ چراکه آنها نه‌تنها با کلید وارد ساختمان شده بودند، بلکه تنها سراغ گاوصندوق رفته و هیچ وسیله دیگری را با خود نبرده بودند. همین موضوع نشان می‌داد سارقان از محل نگهداری گاوصندوق و اموال داخل آن اطلاع دقیقی داشته‌اند.

■ خودروی سرقتی برای فرار

در ادامه تحقیقات، کارآگاهان تصاویر دوربین‌های مداربسته اطراف را به‌صورت دقیق بررسی کردند و به سرنخ مهمی رسیدند. تصاویر نشان می‌داد سارقان پس از سرقت از محل دور شده و دو نفر از آنها چند کوچه آن‌طرف‌تر سوار یک خودروی سواری شده‌اند. بررسی‌های پلیسی مشخص کرد این خودرو نیز چند ساعت قبل به سرقت رفته بود و سارقان آن را برای اجرای نقشه سرقت دزدیده بودند.

■ بازگشت مرموز یکی از سارقان

اما در این میان، رفتار یکی از سارقان توجه کارآگاهان را جلب کرد. او پس از تعویض لباس‌هایش از سه همدست خود جدا شده و به همان محدوده بازگشته بود. بررسی تصاویر نشان داد این مرد وارد ساختمان مجاور خانه شاکی شده‌است.

کارآگاهان در بررسی‌های بیشتر دریافتند این فرد سرایدار ساختمان همسایه است و به این ترتیب هویت یکی از اعضای باند سرقت برای پلیس فاش شد.

■ اعتراف به سرقت میلیاردی

مأموران پس از هماهنگی قضایی، سرایدار را بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. متهم در ابتدا منکر دست داشتن در سرقت بود، اما پس از روبه‌رو شدن با شواهد و مدارک پلیسی، سرانجام لب به اعتراف گشود و به سرقت از خانه مرد تاجر با همدستی سه نفر از دوستانش اعتراف کرد.

تحقیقات از متهم ادامه دارد و کارآگاهان پلیس آگاهی در تلاش هستند با شناسایی و دستگیری سه همدست دیگر او، اموال سرقت‌شده را کشف کرده و ابعاد پنهان این سرقت میلیاردی را روشن کنند.

■ ۶ ماه صحنه‌سازی

متهم این پرونده مرد جوانی به نام صفدر است که مدعی است سابقه کیفری ندارد. او می‌گوید سرایدار ساختمان مجاور خانه شاکی بوده و برای اجرای نقشه سرقت، حدود شش ماه زمان صرف کرده تا اعتماد مرد تاجر را جلب کند. صفدر در ادامه مدعی شده است که پس از جلب اعتماد شاکی، به بهانه نظافت وارد خانه او می‌شده و با رفت‌وآمدهای مکرر، از وضعیت خانه و محل نگهداری اموال باخبر شده است.

صفدر، سابقه‌داری؟

نه، هیچ سابقه‌ای ندارم. حتی تا امروز پایم به کلانتری هم باز نشده بود.

چه شد که نقشه سرقت را طراحی کردی؟

وسوسه شدم یک‌شبه پولدار شوم. دیگر به حقوق سرایداری راضی نبودم و در نهایت به مال دیگران طمع کردم.

از کجا فهمیدی شاکی در خانه‌اش طلا و سکه نگهداری می‌کند؟

چند سالی است که در ساختمان مجاور خانه شاکی سرایدار هستم و از وضعیت زندگی او و خانواده‌اش می‌دانستم که وضع مالی خوبی دارند. یک‌بار هم وقتی برای نظافت به خانه‌شان رفته بودم، متوجه شدم با فردی درباره خرید طلا صحبت می‌کند. همان موقع، هنگام انجام کار، از محل قرار گرفتن گاوصندوق هم باخبر شدم.

یعنی با یک بار رفتن به خانه، متوجه محل گاوصندوق شدی؟

بله. همان یک بار کافی بود. بعد از آن وسوسه به جانم افتاد. با یکی از دوستانم که سابقه سرقت داشت، مشورت کردم. او پیشنهاد سرقت داد و گفت خودش و دوستانش در باز کردن گاوصندوق حرفه‌ای هستند و می‌توانند بدون بر جا گذاشتن رد و مدرکی این کار را انجام دهند. حرف‌های آنها بیشتر وسوسه‌ام کرد و پیشنهادشان را قبول کردم.

چطور به کلید خانه دسترسی پیدا کردی؟

بعد از نخستین باری که به خانه شاکی رفتم، حدود شش ماه تلاش کردم اعتمادش را جلب کنم. او به من اعتماد کرده بود تا اینکه یک روز که خودش در خانه نبود، کلید خانه را به من داد تا برای نظافت وارد شوم. من هم بلافاصله از روی کلید، یک کلید یدک ساختم و دوستم را در جریان گذاشتم. او و دوستانش هم نقشه سرقت را طراحی و اجرا کردند.

درباره شب حادثه توضیح بده.

ما دنبال فرصتی بودیم تا نقشه را اجرا کنیم تا اینکه فهمیدم مرد تاجر قرار است همراه خانواده‌اش به مسافرت برود. او به من اعتماد داشت و حتی از من خواست از راه دور مراقب خانه‌اش باشم، اما خبر نداشت که خودم در کمین اموالش هستم. وقتی آنها به مسافرت رفتند، شبانه وارد خانه شدیم و طلاها و سکه‌ها را سرقت کردیم.

بعد از سرقت چه اتفاقی افتاد؟

طلاها و سکه‌ها را دوستانم با خودشان بردند. قرار بود پس از فروش اموال، سهم من را بدهند، اما آنها سرم کلاه گذاشتند. مبلغ اندکی به من دادند و بقیه را هم به بهانه اینکه بعداً تقسیم می‌کنیم، بالا کشیدند.

چرا سهمت را از آنها نگرفتی؟

بعد از سرقت ناپدید شدند و دیگر آنها را ندیدم. حتی تلفنم را هم جواب نمی‌دادند.

سرقت با برقراری اعتماد

سارق منازل که با برقراری رابطه دوستانه و جلب اعتماد خانواده‌ها بدون تخریب وارد خانه‌ها می‌شد، در غرب تهران دستگیر شد و به ۱۲ فقره سرقت اعتراف کرد.



به گزارش «جوان»، سرهنگ محمد افشار، سرکلانتر دوم پلیس پیشگیری پایتخت گفت: در پی سرقت از منزلی در محدوده جنت‌آباد، در حالی که هیچ اثری از ورود غیرمجاز یا تخریب وجود نداشت، مأموران کلانتری ۱۳۸ تحقیقات خود را آغاز کردند. بررسی‌ها نشان داد سارق با شناخت قبلی و جلب اعتماد خانواده وارد منزل شده است. مأموران در ادامه به فردی که به‌تازگی با فرزند خانواده دوست شده و در خانه آنان رفت‌وآمد داشت، مشکوک شدند و مخفیگاه وی را در غرب تهران شناسایی کردند. متهم در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر شد و در بازرسی از مخفیگاهش بخشی از اموال مسروقه کشف شد. وی در بازجویی‌ها به ۱۲ فقره سرقت به شیوه مشابه اعتراف کرد. به گفته پلیس، متهم با تظاهر به دوستی وارد خانه‌ها شده و پس از شناسایی محل نگهداری اموال باارزش، در فرصت مناسب اقدام به سرقت می‌کرد.

متهم پرونده «نیلوفر مجاور» بازداشت شد

■ جلال مهرگان

پرونده مرگ دلخراش نیلوفر مجاور، دختر ۲۸ ساله پیرانشهری، با بازداشت متهم اصلی وارد مرحله تازه‌ای شده است. مردی که پس از انتقال نیلوفر با جراحات شدید به مرکز درمانی، متواری شده بود، هنگام تلاش برای خروج از کشور دستگیر شد. با این حال، همزمان با انتشار گسترده این خبر در شبکه‌های اجتماعی و بازنشر روایت‌های مختلف از سوی رسانه‌های خارج از کشور، یک پرسش جدی درباره نحوه اطلاع‌رسانی رسمی پلیس مطرح است: چرا تاکنون روایت رسمی و جامعی از سوی پلیس و عدلیه درباره این پرونده منتشر نشده است؟

ماجرای پرونده نیلوفر مجاور از شامگاه اول شهریور آغاز شد، زمانی که نیلوفر از خانه خارج شد و خانواده‌اش دیگر نتوانستند با او ارتباط برقرار کنند. بر اساس روایت خانواده، مدتی بعد فردی که نیلوفر با او در ارتباط بود، با تلفن همراه او با مادرش تماس گرفت و مدعی شد نیلوفر با میل خود همراه او رفته و آنها قصد ازدواج دارند. پس از آن، تلفن همراه نیلوفر خاموش شد و خانواده ۱۰ روز از سرنوشت او بی‌خبر ماندند. حدود ۱۰ روز بعد، نیلوفر در شرایط جسمانی بسیار وخیم به یک مرکز درمانی منتقل شد. فرد همراه او، بنا بر گزارش‌های منتشرشده، جراحات وی را ناشی از سانحه رانندگی عنوان کرده بود، اما شدت آسیب‌ها موجب شد کادر درمان موضوع را با حساسیت بیشتری پیگیری کند. نیلوفر در نهایت دچار مرگ مغزی شد و پس از تأیید مرگ مغزی، خانواده‌اش با اهدای اعضای قابل استفاده بدن او موافقت کردند. خانواده این دختر جوان نیز با طرح شکایت، خواستار روشن شدن سرنوشت نیلوفر در روزهایی شدند که از او خبری نداشتند.

■ بازداشت متهم

در جریان تحقیقات، مردی که خانواده نیلوفر او را عامل اصلی حادثه می‌دانستند، تحت تعقیب قرار گرفت و اما سرانجام دو روز قبل در حالی که قصد خروج از کشور داشت بازداشت شد. خبر حادثه نیلوفر مجاور با سرعت زیادی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده و روایت‌های متفاوتی درباره آن شکل گرفته است. همزمان، برخی رسانه‌های خارج از کشور نیز این اخبار و روایت‌ها را بازنشر



کرده‌اند. در چنین شرایطی، نبود اطلاع‌رسانی رسمی و شفاف از سوی پلیس درباره روند پرونده، عملاً میدان را برای انتشار روایت‌های تأییدنشده، اخبار غیررسمی و حتی اطلاعات نادرست باز می‌گذارد. پلیس به عنوان مرجع اصلی کشف جرم، علاوه بر وظیفه انتظامی و تحقیقاتی، در چنین پرونده‌هایی مسئولیت مهمی در مدیریت اطلاع‌رسانی و جلوگیری از شکل‌گیری روایت‌های نادرست دارد.

اکنون که متهم اصلی بازداشت شده است، انتظار می‌رود پلیس و دستگاه قضایی، بدون خدشه به روند تحقیقات و حقوق متهم، جزئیات رسمی و قابل استناد پرونده را برای افکار عمومی تشریح کنند، چراکه سکوت خبری در پرونده‌ای که افکار عمومی را به شدت تحت تأثیر قرار داده، الزاماً به معنای کاهش شایعات نیست، گاهی دقیقاً برعکس، به گسترش آنها کمک می‌کند.

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه

بلامعارض منیره رستمی به شماره ملی ۲۱۲۱۸۶۲۶۰۹ متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۲۱۰۲ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۵۵ متر مربع از پلاک شماره ۲۲۵ اصلی واقع در اراضی توسکستان بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود، از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دوماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۶/۰۱
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۶/۱۶
سید عیسی میر کاظمی
رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان
از طرف احمد نبویان

شناسه آگهی: ۲۲۵۱۹۰۲

قوه قضائیه سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه سه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۳۱۰۱۱۰۰۴۹۲۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فاطمه اکبری به شناسنامه شماره ۲۲۸۸۹ صادره از تهران فرزند عبدالحسین در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۳۰ / ۱۷۴ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۴۹۹ فرعی از ۱۷۰ اصلی واقع در البرز و با خریداری از خانم خدیجه رضائی ارباطی و با مالکیت مالک اولیه آقای عربعلی ناصر خاکی تایید می نماید ،لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند ،می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵ / ۰۵ / ۳۱
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵ / ۰۶ / ۱۶
حسین رضا نوری شاد - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج
شناسه آگهی : ۲۲۵۴۸۷۲

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر پرونده شماره ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۷۰۰۵۰۰۰۰۱۴ و رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۷۰۰۵۰۰۶۳۷۰ مورخه ۱۴۰۵/۰۵/۰۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه ۲ بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای صمد ایمانی شامیر فرزند غلامحسین به شماره ملی ۰۸۲۸۵۷۸۱۹۲ در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۵۵- اصلی واقع در (کهنه کند) بخش ۲ حوزه ثبت ملک منطقه ۲ بجنورد از محل مالکیت ثبتی آقای نور محمد باغچقی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقرارات سند مالکت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۶ شناسه آگهی ۲۲۵۰۴۶۴
علی رضا حاج محمدی - رئیس اداره
ثبت اسناد واملاک منطقه دو بجنورد

سازمان آگهی‌های
روزنامه جوان
۸۸۵۴۵۴۸۸